

## فرزندسالاری عاقلانه

جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی گسترش این پدیده را جزو سوغاتی‌های توسعه می‌دانند. به‌زعم آنان، توسعه،



زمنه عوض شده، بچه‌های امروزی مثل ماها نیستن. بازی‌های ما، درخواست‌های نداشته ما، سادگی‌های ما، نخواستن‌ها یا نگفتن‌های ما، سر به راه بودن‌های ما، حرف گوش‌کنی‌های ما... راستش دیگه فکر کنم قدیمی شده. تصویر فرزندسالاری عاقلانه

دیگه بچه‌های امروزی به خیلی از اون چیزها و رفتارها تن نمی‌دن. اونا درخواست‌های زیادی دارن، آزادی‌های زیاد دارن و بازم بیشتر می‌خوان، خودشونو محدود نمی‌کنن، کمتر میشه شرایط پدر و مادر رو هم در نظر بگیرن... فقط می‌خوان و می‌خوان. چیزهایی هم می‌خوان که با سن بدنی و سن عقلی‌شون تناسب نداره. این چیزا زمان ما نبود. ما که همسن اینا بودیم...

اینها درددل‌های متدوالی است که این روزها در مواجهه با پدیده‌ای به نام فرزندسالاری؛ از بزرگ‌ترها و سالخورده‌ها می‌شنویم. در یک تعریف کوتاه، فرزندسالاری به پدیده‌ای گفته می‌شود که طی آن، حقوق، امتیازات و امکانات فراوان و بعضا خارج از قاعده‌ای در اختیار کودک قرار می‌گیرد.

یعنی کودک بدون توجه به سنی که دارد، چیزهایی دریافت می‌کند یا در محیط خانواده از امتیازات گفتاری و رفتاری برخوردار می‌شود که از موقعیتش به عنوان کودک بسیار بیشتر و بزرگ‌تر است.

جالب است که خانواده نیز این نقش را پذیرفته و کودک را در جا افتادن در آن نقش به نوعی مستقیم و غیرمستقیم تشویق نیز می‌کند. پدیده فرزندسالاری نه تنها در ایران بلکه در بسیاری از کشورها رو به گسترش است.

جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی گسترش این پدیده را جزو سوغاتی‌های توسعه می‌دانند. به‌زعم آنان، توسعه، بافت‌های سنتی فرهنگی جامعه را به هم می‌ریزد و باعث برهم ریختگی نقش‌ها می‌شود. به عنوان مثال وقتی توسعه ایجاب می‌کند که مادر خانواده به خاطر کمک به افزایش مخارج خانواده برای تطبیق با مدرنیسم، کار کند و مقدار قابل توجهی از وقتش را به جای مادری کردن به کار کردن در خارج منزل اختصاص دهد، نقش او تغییر می‌کند.

بدیهی است این تغییر نقش به کودکش نیز سرایت می‌کند. چرا که مادر مجبور است برای پر کردن غیبتش، امتیازاتی به کودک بدهد تا به اصطلاح مرسوم او را ساکت و مطیع کند.

در حالی که قبلا حضور نسبتا زیاد مادران در محیط منزل، باعث می‌شد عمده وقت آنها به رسیدگی به کودک اختصاص یابد. اینچنین است که کودک دارای امکانات و حقوقی می‌شود که قبلا از آن برخوردار نبوده است.

بدیهی است بسیاری از این امکانات از سن عقلی و جسمی کودک بزرگ‌تر است و این ممکن است در بلندمدت باعث رشد غیرمتوازن برخی جنبه‌های فکری، شخصیتی و روحی او شود که متناسب با بچگی او نیست. البته در این میان انفجار اطلاعات؛ نیز سهم بسزایی دارد.

وقتی کودک به ابزاری چون تلفن همراه و تبلت دسترسی داشته و از آن طریق به شبکه‌های اجتماعی راه پیدا می‌کند یا مثلا ماهواره می‌بیند، آن‌گونه اطلاعاتی که متناسب با سنش نیست را دریافت می‌کند و این اطلاعات جهان زیبا و کودکانه‌ای او را دستخوش تغییر می‌کند.

روشن است الگوهایی که از طریق ماهواره یا شبکه‌های اجتماعی برای سبک زندگی ترویج می‌شود،

وارداتی است و با فرهنگ ملی - مذهبی ایران چندان تناسبی ندارد.

اینچنین است که کودک علاوه بر جهش فکری زودهنگامی که از این طریق دریافت می‌کند، با مولفه‌های فرهنگ خویش نیز بیگانه شده و این بیگانه شدن آغاز تضاد با خانواده و جامعه و برهم خوردن نقش‌ها و سنت‌های کهن خواهد بود.

#### نقش خانواده

البته تمام ماجرا تقصیر کودکان نیست! بلکه بیشتر والدین هستند که مستقیم یا غیرمستقیم پدیده‌ها را فرزندسالاری؛ را گاه به عنوان یک افتخار یا پدیده‌ای ناشی از مدرنیسم که می‌شود روی آن پز داد، ترویج می‌کنند.

اینجا باز هم پای برهم ریختگی فرهنگی و شکاف بین نسلی پیش می‌آید. نسل حاضر که پدر و مادرهای امروزی را تشکیل داده است، شاید به خاطر کم‌آشنایی با زیبایی‌های فرهنگ غنی و چند هزار ساله بومی، شیفته عناصر فرهنگ وارداتی شده یا ضرورت‌های توسعه و تغییر جامعه او را به آن‌ها سهل داده باشد. لذا او از هر مدرنیته‌ای استقبال می‌کند و این شامل نوع رفتار با کودکش نیز می‌شود.

اینچنین است که او برخلاف رفتاری که توسط پدر و مادرش با او شده، حاضر می‌شود حتی به قیمت به جان‌خریدن تنگنای مالی، هر امکاناتی را هر طور شده در اختیار کودکش قرار دهد و وقتی کودک جلوی دیگران از آن امکانات استفاده می‌کند، پدر و مادر کیف کنند! اینچنین می‌شود که رشد پدیده فرزندسالاری از درون نهاد خانواده آغاز و به عنوان یک ارزش تلقی و به آن ارج نهاده می‌شود.

روشن است که سایر خانواده‌ها نیز از این پدیده الگو گرفته و فرزندسالاری به عنوان یک مد اجتماعی رایج درآید.

#### سیاه نیست!

حال این سوال پیش می‌آید که اصولاً پدیده فرزندسالاری بد است یا خوب؟ سیاه است یا سفید؟ در یک نگاه منطقی این گونه می‌توان قضاوت کرد که هیچ‌یک از پدیده‌های اجتماعی، سیاه یا سفید مطلق نیستند، بلکه خاکستری‌اند؛ یعنی مخلوطی از سفیدی و سیاهی با اندازه‌های متفاوت.

فرزندسالاری نیز این‌گونه است. کارشناسان می‌گویند آن‌گونه که عرف و کلیشه رایج شده، فرزندسالاری؛ تماماً سیاه و منفی نیست. این پدیده، یک پدیده طبیعی ناشی از مدرن و صنعتی شدن زندگی است که خواه ناخواه برای هر جامعه‌ای اتفاق می‌افتد.

به هر حال روش زندگی با گذشته فرق کرده و نمی‌توان جلوی این تغییر را گرفت. نوع معماری، نوع درآمدزایی، نوع غذا خوردن، نوع لباس پوشیدن و حتی نوع سخن گفتن تغییر کرده و لذا بازگشت کامل به سبک زندگی گذشته‌ای که مثلاً تا همین 30 سال پیش داشته‌ایم، گاه تا حد زیادی غیرممکن است. لذا منطق می‌گوید باید پدیده فرزندسالاری را نیز به عنوان تبعات و اثرات همین توسعه و تغییر پذیرفت و آن را پدیده‌ای خاکستری تصور کرد که می‌توان مقدار سفیدی موجود در آن ترکیب خاکستری را افزایش داد.

#### منطقی باش!

این پیشنهاد به پدر و مادرهای امروزی قابل ارائه است که اگر نمی‌توانند یا نمی‌خواهند جلوی فرزندسالاری؛ را بگیرند و حتی آن را پدیده‌ای لازم برای حفظ حقوق کودکشان می‌دانند، لاقلاً می‌توانند آن را منطقی کنند. منطقی کردن این پدیده، دقیقاً به معنی رعایت تعادل و توازن به منظور مدیریت بیشتر امکانات در اختیار کودک است.

راه این تعادل نیز از دو چیز می‌گذرد. اول تلاش برای وقت گذاشتن بیشتر برای کودک و غلبه بر خستگی و بی‌حوصلگی در برخورد با کودک که طبیعتاً ناشی از کار و مشکلات روزمره و اقتصادی است.

دوم نیز کسب آگاهی درباره تاثیر امکانات بالاتر از سن بر کودک. این دومی بیشتر شامل وسایل ارتباطی چون تبلت، تلفن همراه، رایانه و وسایل خانگی و وسایل بازی و تفریحی می‌شود.

به گفته بسیاری از کارشناسان، مشکلات زندگی در شهرهای بزرگ و متوسط گاه به قدری زیاد است که پدر و مادرها از اولیویه و استفاده از وسایل ارتباطی برای خودشان آگاه نیستند چه رسد برای کودکانشان! لذا صرفاً برای پاسخگویی به خواهش و وسایل بازی و تفریحی کودک و رفع تکلیف کردن از خود و سرانجام پز دادن میان دوست و آشنا، این وسایل را بی‌هیچ نظارتی در اختیار او قرار می‌دهند.

حال آن‌که در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته که خود تولیدکننده سخت‌افزار و نرم‌افزار همین وسایل ارتباطی هستند، قبل از خرید، آموزش کاملی به کودک می‌دهند و ضمناً راه‌های مدیریت و کسب اطلاع از اقدامات کودک یا نوجوان را پیش‌بینی می‌کنند.

اینچنین است که باید به پدر و مادرهای امروزی گفت جنبه‌های مثبت فرزندسالاری چون دوری از خشونت، پاسخ دادن به نیازها و خواهش و اقناع کودک و روحی او و امثالهم را در نظر بگیرند، اما در عمل به آن هیچ‌گاه دچار افراط نشوند.

در واقع تلاش کنند مقداری از سرعت در اختیار قرار دادن امکانات سخت‌افزاری و حقوق رفتاری در خانواده بکاهد و تلاش کنند سن عقلی کودک تا حدی به آن امکانات نزدیک شود. در واقع به یک فرزندسالاری منطقی برسند که در عین این‌که پز دادن را اقناع می‌کند، حقوق واقعی و منطقی کودک را نیز در برگیرد که آینده واقعی او از اعتماد به نفس و ابتکار عملی برمی‌آید که حتماً از فرزندسالاری افراطی و بی‌ضابطه محقق نخواهد شد.

نسترن اسدزاده - روزنامه نگار

ضمیمه چمدان جام جم